

هندسه دانش‌های حدیثی در اندیشه و قلم شیخ بهایی

محمد رضا سبحانی نیا*

چکیده

شیخ بهایی دانشمند بزرگ شیعه، دانش‌های قرآن، حدیث، فقه، اصول، عرفان، ریاضیات، معماری، ادبیات و شعر را با هنرمندی گرد آورده است. ابعاد مختلف علمی این فرزانه شایسته بازشناسی و تحلیل است. این نوشتار به بررسی یکی از ابعاد شخصیتی او، یعنی توانایی علمی‌اش در دانش‌های حدیثی پرداخته است. مجموعه دانش‌های رجال، درایه و مصطلحات و فقه الحدیث و میزان پردازش به آنها در آثار شیخ بهایی به گونه‌ای قابل ملاحظه است و ورود و خروج عالمانه و نوآوری‌های تحسین برانگیزش قابل ستایش. کلید واژه‌ها: شیخ بهایی، حدیث، رجال، فقه الحدیث، درایه، مصطلحات.

درآمد

شیخ بهایی دانشمند بزرگ شیعی در قرن دهم و یازدهم شخصیتی شایسته تحسین است. ویژگی‌های منحصر به فرد او و تنوع و گستردگی دانش‌های او را حتی بر بسیاری از عالمان پر آوازه برتری داده است. تخصص او در دانش‌های مختلف، از جلوه‌های شگفت‌انگیز شخصیت اوست. او مفسری بزرگ، فقیهی متبحر، اصولی‌ای چیره‌دست و فیلسوف، عارف، متکلم، محدث و رجالی بزرگی بوده است. آن دانشمند فرزانه در هر یک از این علوم نه تنها دستی داشته، بلکه با ژرف اندیشی در دریای علوم، آثار مختلفی را پدید آورده است که نشان از توان علمی و عمق درک و فهم او دارد.

آنچه که در پیش دید خواننده این نوشتار است، فرا نگاهی به توانایی‌های او در دانش حدیث و زیر شاخه‌های آن است. این قلم خواهد کوشید تا با معرفی هندسه دانش‌های حدیثی، ساختار و کیفیت و میزان ورود وی را در هر یک از این دانش‌ها بازتاب دهد.

* عضو هیأت علمی دانشکده علوم حدیث.

هندسه دانش‌های حدیثی

همه دانش‌های بشری به یک‌باره شکل نگرفته‌اند، بلکه در سایه پیشرفت اندیشه بشری و احساس نیاز او به مسائل جدید ایجاد شده‌اند. پرسش‌های جدید در هر شاخه‌ای گاهی سبب زایش علوم جدید شده‌اند. دانش‌های وابسته به حدیث نیز به این صورت به وجود آمده و تکثیر شده‌اند. با صدور سخن یا انجام فعل پیامبر حدیث متولد شد و نقل شفاهی یا کتبی آن توسط یاران آن حضرت، آغاز تولد دانش‌های حدیثی بود. با توصیه معصومان نسبت به تدبر در حدیث و فهم معانی آن، علم فقه الحدیث به وجود آمد و پس از گذشت ده‌ها سال از صدور حدیث پیامبر سؤال از کیستی و چگونگی راویان حدیث موجب پیدایش دانش رجال شد. هم‌چنین تنوع اقسام حدیث و کتاب‌ها و دانشمندان حدیثی موجب رویش دانش دیگری به نام مصطلح الحدیث شد. دانش تاریخ حدیث و منبع‌شناسی حدیث نیز در مرتبه‌های بعدی از دانش‌های نوین یاد این عرصه بودند. امروزه در نتیجه گذشت صدها سال از تولد و رشد حدیث، دانش‌های وابسته به آن، یعنی رجال، فقه الحدیث، مصطلح الحدیث، تاریخ حدیث و منبع‌شناسی حدیث - که در اخذ یا فهم حدیث تأثیر مستقیمی دارند - به میزان فراوانی توسعه یافته و دارای مسائل گوناگونی شده‌اند و دانشمندان زیادی با تلاش در عرصه تألیف و پژوهش، آثار ارزشمندی به یادگار گذاشته‌اند که شناخت آنها بر جویندگان حدیث و علوم وابسته به آن امری شایسته و بایسته است.

هر چند شیخ بهایی را بیشتر به معماری یا شعر یا عرفان می‌شناسند و ورود او در دانش‌های وابسته به حدیث برای همگان ظاهر و آشکار نیست، اما باید گفت که او محدثی بزرگ و دانشمندی حدیث شناس است که تقریباً در همه عرصه‌های حدیث پژوهی دستی داشته و تخصص و خبرگی‌اش را نمایان ساخته است.

فعالیت او در عرصه حدیث، به گواه آثارش، یک تلاش دقیق و همراه با روش علمی و نظام‌مند است. در بسیاری از شاخه‌های دانش حدیث، هم‌چون فقه الحدیث، رجال و مصطلحات آثاری پربار و عالمانه دارد. در هر یک از این علوم، علاوه بر گزارش دانش پیشینیان، صاحب‌نظر بوده و گاهی تحلیل‌ها و استنباط‌های دقیقی از خود به یادگار گذاشته و تواضع در پذیرش سخن صواب را با شجاعت نقد و جسارت نوآوری در هم آمیخته است. در برخی موارد نیز که پیشینیان شیخ، گام‌های علمی دقیقی برداشته‌اند و سخن سنجیده و مقبولی به برجای نهاده‌اند و از تیغ نقد شیخ بهایی در امان مانده یا قدرت نوآوری شیخ بر آن اوج نگرفته است، جناب شیخ راوی و ناقل شایسته‌ای برای انتقال دیدگاه‌های ایشان به نسل‌های بعد است و آثار شیخ بهایی راه قابل اطمینانی برای دستیابی به آرای علمی دانشمندان پیشین شیعه و سنی به حساب می‌آید.

اینک با نگاهی اجمالی به برخی از عناوین مهم علوم حدیثی نقش شیخ بهایی را در آن حوزه‌ها بررسی و آثار او را بازکاوی می‌کنیم.

۱. دانش در ایه یا مصطلح الحدیث

علم درایه علمی است که از انواع سند و متن حدیث و کیفیت دریافت حدیث و آداب نقل آن بحث می‌کند.^۱ در میان عالمان اهل سنت حاکم نیشابوری (م۴۰۵ق)، خطیب بغدادی (م۴۶۳ق) و ابن صلاح (م۴۴۳ق) معروف‌ترین درایه نویسان هستند.^۲

در میان عالمان شیعه، اولین تألیف مستقل در موضوع مصطلحات به شهید ثانی (م۹۶۵ق) تعلق دارد. پدر شیخ بهایی (م۹۸۴ق) و خود او (م۱۰۳۰ق) و میرداماد (م۱۰۴۰ق) از دیگر دانشمندان این علم هستند.^۳

شیخ بهایی - که در مباحث مقدماتی کتاب فقهی *مشرق الشمسین* به برخی از مباحث درایه و مصطلحات می‌پردازد - کتاب فشرده خود، *الوجیزه فی علم الدراية* را به طور متمرکز به این موضوع اختصاص داده است.

این کتاب ده صفحه‌ای با وجود اختصار و کم حجمی - که ویژگی برخی از آثار شیخ بهایی است - بدون اجمال و ابهام به بررسی همه مسائل علم درایه پرداخته است.

دهها اصطلاح و تعریف و تقسیم بندی‌های بدیع و دقیق، آن چنان مورد پسند عالمان دیگر واقع شده است که معمولاً در همه کتب درایه از آن بهره کامل برده‌اند و آرای او را به عنوان رأی برتر برگزیده‌اند. اینک چند نمونه را بررسی می‌کنیم:

الف: تعریف درایة الحدیث

شیخ بهایی در ایه الحدیث را چنین معنا می‌کند:

عَلَّمَ يَبْحَثُ فِيهِ عَنِ سُنْدِ الْحَدِيثِ وَ مَتْنِهِ وَ كَيْفِيَّةِ تَحْمَلِهِ وَ آدَابِ نَقْلِهِ؛^۴

درایه علمی است که از سند حدیث و متن آن و چگونگی دریافت آن و آداب نقل آن بحث می‌کند.

این تعریف از چهار قسمت تشکیل شده است:

۱. کلیت سند حدیث، و نه تک تک افراد آن، به عنوان مجموعه راویان و ویژگی‌های آن سند در علم درایه مورد بحث قرار می‌گیرد.

1. الوجیزه، ص 2.

2. حاکم نیشابوری کتاب *معرفة علوم الحدیث*؛ خطیب بغدادی *الكفاية في علم الرواية* و ابن صلاح *مقدمة في علوم الحدیث* را نوشته‌اند.

3. *الرعاية في علم الدراية* نوشته شهید ثانی، *وصول الأخبار* نگاشته پدر شیخ بهایی و *الوجیزه في علم الدراية* تألیف خود اوست. میرداماد *الرواشح السماوية* را نوشت و عبدالله مامقانی (م1351ق) *مقیاس الدراية* را تألیف کرد. *نهایة الدراية* سید حسن صدر (م1354ق) نیز از دیگر کتب مطرح در درایة الحدیث است.

4. الوجیزه، ص 2.

۲. متن حدیث، که برخی از اصطلاحات حدیث مربوط به آن است، همچون نص، ظاهر، مؤول و مضطرب و اقسام دیگر آن در علم درایه مورد بحث هستند.

۳. کیفیت تحمل حدیث، یا شیوه‌های دریافت حدیث از استاد و نقل آن به شاگردان از مباحث مهم در علوم حدیثی است.

۴. آداب نقل حدیث، ضوابط انتقال حدیث همچون رعایت شرایط نقل به معنا یا تقطیع از مباحث مهم علوم حدیث هستند.

چنان که ملاحظه شد، تعریف شیخ بهایی از علم درایه از چهار محور تشکیل شده است. در مقایسه این تعریف با کتب دیگر، جامعیت و برتری تعریف شیخ بهایی به خوبی نمودار می‌شود و همین باعث شده که بیشتر درایه نویسان پسین تعریف او را برگزینند. شهید ثانی در تعریف علم درایه می‌نویسد:

علم یبحث فیه عن متن الحدیث و طرقه من صحیحها و سقیمها و عللها و ما یحتاج الیه لیعرف القبول منه و المرود.^۵

آقا بزرگ تهرانی درایه را در *الدریعه* چنین معرفی می‌کند:

هو العم الباحت فیه عن الاحوال و العوارض اللاحقة لسند الحدیث.^۶

از تعریف شهید ثانی بر می‌آید که علم درایه را عهده‌دار بررسی سند و متن حدیث دانسته و نه چیز دیگری. آقا بزرگ تهرانی نیز دامنه تعریف را حتی محدودتر از تعریف شهید ثانی دانسته و آن را فقط بررسی کننده عوارض سند حدیث دانسته است. دیگر درایه نویسان دیگر نیز بیشتر، تعریف شیخ بهایی را برگزیده و آن را نقل کرده‌اند.

مامقانی در *مقباس الهدایه*^۷ با انتخاب تعریف شیخ بهایی اذعان داشته است که تعریف شیخ بهایی بهتر و کامل‌تر است، چرا که بحث از کیفیت تحمل حدیث و آداب نقل آن از مسائل علم درایه است که تعریف‌های دیگر آن را در بر نمی‌گیرد.

عبدالهادی فضلی در *اصول الحدیث*،^۸ سید رضا مؤدب در *دروس فی علم الدراية*،^۹ علی نصیری در *حدیث‌شناسی*^{۱۰} و شادی نفیسی در *دراية الحدیث*^{۱۱} نیز این تعریف را برگزیده‌اند.

5. *الرعاية فی علم الدراية*، ص 45.

6. به نقل از: *اصول الحدیث*، ص 11.

7. *مقباس الهدایه*، ج 1، ص 11 و 12.

8. *اصول الحدیث*، ص 11.

9. *دروس فی علم الدراية*، ص 15.

10. *حدیث‌شناسی*، ج 2، ص 18.

11. *دراية الحدیث*، ص 7.

عالمان اهل سنت نیز برای علم درایه تعاریف مختلفی ارائه کرده‌اند که به لحاظ شمول، دقت در تعبیر و کوتاه بودن آنها با یکدیگر تفاوت دارند. در بیشتر این تعاریف‌ها به دو مبحث شیوه‌های دریافت حدیث و آداب نقل آن اشاره و یا تصریح نشده است؛^{۱۲} در حالی که شیخ بهایی هر دو بحث را در تعریف خود قرار داده و بر اهمیت آنها در علم درایه تأکید نموده است.

ب: تعریف حدیث

محدثان شیعه از حدیث تعریف‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند که مشهورترین آنها عبارت است از:

كَلَامٌ يَحْكِي قَوْلَ الْمُعْصُومِ أَوْ فِعْلَهُ أَوْ تَقْرِيرَهُ؛^{۱۳}

حدیث سخنی است که قول معصومان یا عمل یا تقریر آنان را حکایت می‌کند.

این تعریف، تعریف اول شیخ بهایی است که بیشتر عالمان شیعه آن را پذیرفته‌اند. با وجود این اقبال عمومی به تعریف مذکور شیخ بهایی با هوشیاری نسبت به نکته‌ای دقیق تعریفی جامع‌تر برای حدیث ارائه کرده تا سخن امام معصوم را، بدون آن که آن را حکایت کنند، درون تعریف بگنجانند. او حدیث را چنین تعریف می‌کند:

الحدیث قول المعصوم او ما یحکی قوله او فعله او تقریره؛^{۱۴}

حدیث سخن معصومان است و آنچه که از سخن، فعل یا تقریر آنان حکایت کند.

یعنی اگر چه حکایت راویان از سخن، اعمال و تقریرات معصومان حدیث است، اما سخن بی واسطه خود معصومان برای کسانی که آن را می‌شنوند نیز حدیث است.

پس زمانی که امام صادق می‌فرماید: «حدیثی حدیث ابي و حدیث ابي حدیث جدي و حدیث جدي...»^{۱۵} به سخن خویش، حدیث اطلاق می‌کند و این گونه حدیث نیز باید در تعریف بگنجد و شیخ بهایی چنین کاری کرده است. با این بیان می‌توان گفت این تعریف *الوجیزه* جامع‌ترین و بی نقص‌ترین تعریف شیعی از حدیث است.

ج: آموزشی‌ترین شیوه تقسیم‌بندی خبر واحد

از مهم‌ترین مباحثی که در علم درایه به آن پرداخته می‌شود، اقسام حدیث است. اقسام حدیث هم‌چون صحیح، حسن، مرسل، غریب و... در نگاشته‌های مختلف علم درایه شیوه ارائه این اقسام متفاوت است. این شیوه‌ها - که هر کدام محاسن یا معایبی دارند - به قرار ذیل هستند:

12. *تدریب الراوی*، ج 1، ص 21، به نقل از ابن اکفانی (م 794ق) و ابن حجر عسقلانی (م 852ق) و شیخ عز الدین ابن جماعه.
13. *الوجیزه*، ص 2؛ *نهایة الدرایة*، ص 80؛ *مقباس الهدایة*، ج 1، ص 57؛ *اصول الحدیث*، ص 32؛ *الرسائل الرجالیه*، ص 282.

14. *الوجیزه*، ص 3.

15. *الکافی*، ج 1، ص 53، ح 14.

الف. شیوه اول: ارائه اقسام حدیث بدون هیچ نوع طبقه بندی و رعایت نظم معینی؛ کتاب‌های *مقدمه ابن صلاح و تدریب الراوی* سیوطی در اهل سنت و کتاب *وصول الاخیار* پدر شیخ بهایی چنین شیوه‌ای را پی گرفته‌اند. این شیوه به لحاظ سامان دهی به مباحث، ساده‌ترین شیوه است و از هر گونه تکلف و اختلاف در تقسیم به دور است؛ اما شیوه مناسبی برای حالتی است که احادیث، همچون معجم‌ها و یا دانش‌نامه‌ها به صورت الفبایی ارائه شود.

ب. شیوه دوم: ارائه اقسام حدیث بر اساس حکم به ضعف بودن یا عدم آن؛ در این شیوه، خبر واحد ابتدا به چهار قسم صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم می‌شود، سپس بقیه اقسام حدیث در دو دسته ارائه می‌شوند: دسته اول احادیثی که به دلیل اشکالاتی در سند یا متن، حکم به ضعف آنها می‌شود و با عنوان (اقسام حدیث ضعیف) می‌آیند. و دسته‌ای دیگر که با بررسی موردی آنها و با توجه به وضعیت سند یا متن می‌توانند صحیح، حسن، موثق و یا ضعیف باشند. این دسته با عنوان (اقسام مشترک حدیث) یا (ما یشترک فیہ الاقسام الاربعه و لا یختص بالضعیف) آمده‌اند. این شیوه از رایج‌ترین شیوه‌های تقسیم‌بندی خبر واحد است.

شهید ثانی در *الرعایه* آن را پی گرفته و پس از او نیز مورد توجه درایه‌نگاران بسیاری قرار گرفته است. در میان نگاشته‌های اهل سنت نیز طحان در *تیسیر مصطلح الحدیث* و صبحی صالح در *علوم الحدیث* و ابن حجر در *نخبة الفکر* و قاسمی در *قواعد التحدیث* از آن بهره برده‌اند.

محاسن این شیوه آن است که به اعتبار اقسام حدیث توجه کرده است و خواننده در ابتدای تقسیم‌بندی به ضعیف بودن یا نبودن آن توجه دارد و او را آگاه می‌سازد که علم درایه تنها تعریف اصطلاح و واژه‌شناسی نیست، بلکه به قضاوت درباره اقسام حدیث نیز می‌پردازد. از معایب این شیوه نیز دشواری فراگیری و آموزش است؛ چرا که همه اقسام حدیث را فقط در دو عنوان کلی می‌گنجاند.

ج. سومین شیوه (شیوه بیشتر متأخران): آن است که اقسام حدیث را با توجه به مشابهت در ویژگی‌های خاص در سند یا متن طبقه بندی می‌کنند؛ به طور مثال، اقسام معلق، مرسل، منقطع، معضل و مرفوع (در اصطلاح شیعه) را - که همگی نوعی انقطاع سند دارند - در (تقسیم خبر به لحاظ اتصال یا انقطاع سند) می‌آورند و اقسام حدیث قدسی، مرفوع^{۱۶} (در اصطلاح اهل سنت)، موقوف^{۱۷} و مقطوع^{۱۸} را در (تقسیم خبر بر اساس گوینده اصلی آن) رده‌بندی می‌کنند.

در این شیوه، با وجود آن که حکم و اعتبار حدیث مغفول می‌ماند، اما به لحاظ فراهم بودن امکان مقایسه بین اقسام حدیث و توجه به مشابهت‌ها و تفاوت‌ها فهم آن آسان‌تر و آموزشی‌تر است. امروزه که کتب علمی با روش‌های جدید آموزشی تدوین می‌شوند، کتاب‌های در ایه الحدیث بیشتر از این

16. مرفوع: در اصطلاح اهل سنت، حدیثی است که سندش به رسول خدا منتهی شود و گوینده‌اش پیامبر باشد.

17. موقوف: حدیثی است که به طبقه اصحاب منتهی شود و گوینده آن یکی از اصحاب پیامبر باشد.

18. مقطوع: حدیثی است که در طبقه تابعان قطع شده و به بالاتر نرسد. گوینده آن یکی از تابعان است.

شیوه بهره می‌برند.^{۱۹} ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) در شرح *نخبة الفکر* اولین دانشمندی است که از این شیوه استفاده کرده است. شیخ بهایی نیز اولین دانشمند شیعی است که تقسیم‌بندی احادیث را در *الوجیزه* بر این اساس سامان داده است.

۲. دانش فقه الحدیث

دانش فقه الحدیث، یا روش فهم حدیث، به جهت آن که با متن سخنان معصومان در ارتباط است، ارزش و جایگاه ویژه‌ای در میان سایر دانش‌های حدیثی دارد. علوم دیگر حدیثی، هم‌چون رجال و درایه، مقدمه دستیابی به فهم برتر از کلمات معصومان یا حجیت آن هستند. این امر مورد توجه دانشمند بزرگ ما، شیخ بهایی نیز بوده است. به همین جهت، در آثار متعدّدش فواید نابی را در معارف حدیثی ارائه کرده است. شیخ بهایی در کتاب *اربعین حدیث*، به طور کامل، به معارف حدیثی پرداخته و چهل حدیث قابل استفاده عموم را شرح و توضیح داده است. و در شرح کتاب *من لا یحضره الفقیه* روایات فقهی شیخ صدوق را در بخشی از باب طهارت شرح و تفسیر نموده است.

حبل المتین و مشرق الشمسین نیز دو کتاب پر ارزش و دقیق شیخ در فقه و احکام هستند از آن‌جا که سبک فقهی این دو کتاب، به پیروی از کتب فقهی سده‌های پیشین، فقه مأثور (روایی) است، بیشترین تلاش مؤلف بر فهم دقیق و ضابطه‌مند از احادیث فقهی متمرکز شده است.

هم‌چنین در کتاب‌های *مفتاح الفلاح* در دعا و آداب و اعمال شبانه روز، و *حدائق المقربین* (شرح *صحیفه سجادیه*)، هنرنمایی‌ها و موشکافی‌های فقه الحدیثی خود را نمایان ساخته است. نکته‌ای که شایسته توجه است، روش‌مند بودن تلاش شیخ در این کتاب‌ها و استفاده از شیوه‌های رایج در میان فقها و محدثین در فهم متن و فهم مقصود از احادیث است که به شایستگی از عهده آن بر آمده است.

برخی از روش‌های فقه الحدیثی شیخ را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. ترجمه دقیق:

برخی از واژه‌ها در ترکیب‌های متفاوت، معانی گوناگون افاده می‌کنند. شارح حدیث، بهترین و مناسب‌ترین معنا را که با سیاق حدیث سازگار باشد، انتخاب و به خواننده‌اش ارائه می‌کند. شیخ بهایی در این عرصه تلاشی ستودنی دارد. او پس از بیان معنای لغوی واژه، به معانی محتمل در این ترکیب می‌پردازد و سپس مناسب‌ترین آنها را انتخاب می‌کند؛ به عنوان نمونه در حدیث «*من حفظ علی استی*» *اربعین حدیث* . . .^{۲۰} در معنای واژه «حفظ»، سه احتمال مطرح کرده و به جهت تناسب با سیاق عبارت و سازگاری با قرائن تاریخی صدر اسلام در کیفیت حفظ حدیث، یکی از آنها را بر می‌گزیند.^{۲۱} یا در معنای سماع در حدیث

19. کتاب‌هایی که سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) به طبع می‌رساند، چنین ویژگی دارد.

20. *اربعین شیخ بهایی*، حدیث اول.

21. همان، ص 63.

«من سمع شیئاً من الثواب...»^{۲۲} یکی از سه احتمال را برگزیده و تقویت می‌نماید.^{۲۳} گاهی نیز از میان معانی محتمل برای یک واژه، به جهت قابل قبول بودن همه آنها، هیچ یک را ترجیح نداده و انتخاب هر کدام را به خواننده‌اش واگذار می‌کند؛ هم‌چون واژه «روح» در حدیث «ابشیر بروح وریحان...»^{۲۴} که آن را با فتح راء به معنای راحتی و با ضم آن به معنای رحمت یا زندگی دائم دانسته و با بیان دلایلی قرآنی و حدیثی، هر دو معنا را محتمل و صحیح می‌داند.^{۲۵}

2. توجه به قواعد ادبیات عرب:

کاربرد قواعد ادبیات و صرف و نحو در برداشت معنای صحیح از حدیث بسیار مهم و اساسی است. شیخ بهایی - که خود ادیبی تمام عیار است و با تألیف کتاب *الصدیه فی النحو*، این توان علمی را اثبات کرده است - در بسیاری از تلاش‌های فقه الحدیثی خود از این قواعد بهره برده و مخاطب خویش را بهره‌مند ساخته است. در آثار او، بویژه در حوزه احادیث فقهی - که دخالت قواعد صرف و نحو در تعیین حکم شرعی تأثیر جدی دارد - به اعراب کلمات،^{۲۶} تعیین مرجع ضمائر^{۲۷}، ظروف و متعلقات آن^{۲۸}، افاده عموم کردن نکره در سیاق نفی^{۲۹} و سایر نکات ادبیاتی^{۳۰} می‌پردازد.

3. توجه به فهم عالمان اسلامی:

برای فقیه‌ی چون شیخ بهایی - که خود از عالمان بزرگ اسلام است - طرح آرای دانشمندان شیعه و سنی و نقد و بررسی آنها و در نهایت، ارائه نظر خویش، روشی عالمانه و جالب توجه است؛ به عنوان نمونه، به هنگام اختلاف فهم عالمان شیعه و سنی از آیات و روایات در باره جزئیت مسح یا غسل برای وضو، آرای عالمان بسیاری هم‌چون زمخشری، ابن عربی، علامه و محقق حلی و شهید اول و ثانی را مطرح کرده و در پایان، نظر خود را بیان نموده است.^{۳۱} وی حتی در بیان معنای کَعْب (برآمدگی استخوان پا) از الفاظ به کار رفته در حدیث - که شناخت آن برای مسح پا مفید است - به عبارت ابو علی سینا در کتاب *قانون* استشهاد می‌کند.^{۳۲}

22. همان، حدیث سی و یکم، ص 381.

23. همان، و مانند آن در معنای جنازه احتمالاتی را مطرح می‌کند (الحبل المتین، ص 234).

24. اربعین شیخ بهایی، ص 461، حدیث سی و نهم.

25. همان، ص 463.

26. الحبل المتین، ص 212 و 323.

27. همان، ص 259 و 688.

28. همان، ص 323 و 688.

29. همان، ص 178.

30. هم‌چون امکان تقدم جزا بر شرط که در معنای آیه شریفه «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّاۤی بُرْهَانَ رَبِّهٖ» تأثیرگذار است (اربعین شیخ بهایی، ص 266).

31. اربعین شیخ بهایی، ص 121 الی ص 139.

32. همان، ص 136.

4. بهره‌مندی از روش‌های فراگیر فهم حدیث:

در آثار فقه الحدیثی عالمان دین^{۳۳}، روش‌هایی فراگیر به چشم می‌آید که همگان از آن کم و بیش بهره برده‌اند. شیخ بهایی نیز در کتاب‌های خود از این روش‌های فراگیر و شناخته شده استفاده کرده است. تکیه بر فهم عرفی و رایج میان مردم در شرح حدیث از آن نمونه‌هاست.^{۳۴} نیز در کنار برداشت‌های عرفی از کاربرد ذوق عرفانی در فهم حدیث غافل نمانده است.^{۳۵} او در حل تعارض میان احادیث از ضوابط علم اختلاف الحدیث استفاده کرده است.^{۳۶} و در کشف معنای مقصود، به ارائه خانواده حدیث پرداخته است.^{۳۷} و بالاخره نسبت به تقیه‌ای بودن برخی احادیث و در نتیجه، خارج بودن از حجیت عمل، هوشیاری خود را نشان داده است.^{۳۸}

۳. دانش رجال

محدثان بزرگ قدرشناس اسناد حدیث بوده‌اند و جایگاه رجال حدیث را معتبر می‌شمردند؛ حتی عالمان متقدم، هم‌چون کلینی و صدوق - که «اعتماد به صدور حدیث»، ملاک صحت حدیث نزد آنان بوده است - کتاب‌های حدیثی خود را با سند کامل نگاشته‌اند و با دقت در رجال احادیث خود گام‌های بزرگی به نفع دانشمندان پس از خود برداشتند؛ اگر چه بر مبنای خودشان نیز وجود اسناد معتبر و صحیح مهم بود، چرا که سند صحیح برای حدیث، از قوی‌ترین عوامل اعتماد به صدور حدیث بوده است.

از زمان علامه حلی (م ۷۲۶ ق) به بعد، با از میان رفتن قراین صدور حدیث، ملاک اعتماد به حدیث نزد عالمان شیعه از وثاقت صدوری به وثاقت سندی تبدیل شد. پس اسناد و رجال حدیث بیش از پیش مورد توجه و تأمل قرار گرفت و کتب رجالی جدیدی تدوین شد شیخ بهایی یکی از عالمان این دوره است. آن بزرگوار - که از حدیث در کتاب‌های متعدد خویش بهره برده است - نمی‌توانست نسبت به رجال بی تفاوت باشد. از این رو، در کتب درایه، حدیث و حتی فقهی او نگاه رجالی و بررسی‌های سندی به خوبی مشهود است. او علاوه بر آن که در بیشتر کتب حدیثی و فقهی‌اش فایده‌های خوبی در رجال و مبنای آن ارائه کرده، چندین کتاب و رساله مستقل در این موضوع نگاشت.

کتاب *اربعین حدیث* - که تألیفی اخلاقی و فقه الحدیثی است - همه احادیثش دارای سند کامل است. هر چند چنین تألیفی دلیلی بر رجالی بودن نویسنده نیست، اما نشانه‌ای است بر این که نویسنده به رجال حدیث اهمیت می‌دهد. او در سند این احادیث، گاهی به تعدیل افراد می‌پردازد و از آنان به بزرگی یاد می‌کند و در کشف اسناد متداخل و دارای حیلولة نظر می‌دهد.

33. رک: *مرآة العقول: روضة المتقين؛ شرح اصول کافی؛ شرح صحیفه سجاده.*

34. همان، ص 406.

35. همان، ص 407 و 408.

36. همان، ص 409 و 410؛ *الحیل المتین*، ص 52.

37. *اربعین شیخ بهایی*، ص 93 و 94.

38. *الحیل المتین*، ص 95 و 117.

وی هم‌چنین در مقدمه این کتاب به خواننده‌اش وعده می‌دهد که در آینده کتابی با هزار حدیث فقهی تألیف خواهد کرد و در آن اسناد احادیث را به طور کامل بررسی خواهد نمود.^{۳۹} البته چنین کتابی امروزه در دسترس ما نیست و شاید موفق به نگاشتن آن نشده باشد.

شیخ بهایی در کتاب *الوجیزه* و صفحات آغازین دو کتاب فقهی‌اش، *حبل المتین* و *مشرق الشمسین* مبانی و روش‌های رجالی خود را توضیح داده است.

شیخ بهایی هم‌چنین چندین کتاب رجالی نوشته و در آنها تخصص دقیق خود را در رجال نشان داده است. کتاب‌های *الفوائد الرجالیة* و *طبقات الرجال* و *حاشیه بر خلاصه الاقوال* علامه حلی و *حاشیه بر رجال النجاشی* و *حاشیه بر معالم العلماء* ابن شهر آشوب از معروف‌ترین این کتب هستند. سه مجموعه از اجازات او به بعضی از شاگردانش نیز گزارش شده است.^{۴۰} کتاب *مشجر الرجال الثقات* جدول‌هایی در شناخت رجال موثق است که به سبک طبقات نگاری تنظیم شده است.^{۴۱} رساله در ترجمه محمد بن اسماعیل از دیگر نگاه‌های رجالی اوست. این رساله مستقل که در *مشرق الشمسین* نیز با تفاوت اندکی آمده است، بحثی رجالی در موضوع تمییز مشترکات است. شیخ بهایی سعی دارد فردی محمد بن اسماعیل را - که در ابتدای نزدیک به هزار حدیث از احادیث *الکافی* آمده است، از میان دوازده نفر هم نام بیابد.^{۴۲}

ویژگی‌های رجالی شیخ بهایی

۱. غلبه سبک طبقات نگاری در آثار او

در بیشتر کتب رجالی از یکی از چهار سبک ذیل پیروی شده است:

- الف) سبک طبقات نگاری.
- ب) سبک جرح و تعدیل.
- ج) سبک معجم نگاری.
- د) سبک فهرست نگاری.

- **سبک طبقات نگاری** دسته‌بندی رجال است بر اساس روایانی که تقریباً در یک مقطع زمانی زندگی کرده و یک دسته از اساتید را شاگردی کرده‌اند. از مهم‌ترین کتب این سبک در شیعه کتاب

39. همان، ص 58 و 59.

40. برگرفته از مقاله دکتر محمدباقر حجتی، ارائه شده به کنفرانس شیخ بهایی در دمشق که در نشریه *الثقافة الاسلامیه*، شماره 5 به چاپ رسید.

41. *النزیرة*، ج 15، ص 149.

42. *مجله حدیث اندیشه*، دانشکده علوم حدیث، شماره 5، ص 60 - 76، مهدی سلیمانی آشتیانی.

رجال الطوسي وترتيب اسانيد الكافي آية الله بروجردی و در اهل سنت کتاب الطبقات الكبرى ابن سعد است.

- **در سبک جرح و تعدیل**، کتاب‌های رجالی بر دو بخش کلی تقسیم شده‌اند: مجروحین و ممدوحین. در بخش اول، همه راویانی که دلیل یا شاهد بر ضعف و اتهام آنها وجود دارد، ارائه شده‌اند. و در بخش دوم، همه راویانی که بنا بر نظر صاحب کتاب، ثقه یا عادل یا ممدوح هستند، آمده‌اند. از کتب رجال این سبک *رجال ابن الغضائري* است که امروزه بخش ضعفاى آن به شکل بازسازی شده موجود است.

- **در سبک معجم نگاری** نیز که مهم‌ترین ویژگی آن سهولت یافتن نام یک راوی است. همه راویان، اعم از موثق یا ضعیف، به ترتیب الفبایی نام‌شان مرتب شده‌اند. کتاب *معجم رجال الحديث* آية الله خویی از معروف‌ترین کتب این سبک است.

- **در سبک فهرست نگاری** نیز نویسنده به بررسی راویانی می‌پردازد که دارای اصل یا کتاب حدیثی بوده‌اند. *رجال النجاشي* - که در حقیقت، یک کتاب فهرستی است - مشهورترین کتاب در این سبک است.

شیخ بهایی در کتب رجالی خویش، کتابی که به بررسی همه یا بخش بزرگی از راویان شیعه بپردازد، تألیف نکرده است، بلکه بیشتر کتاب‌های رجالی او حاشیه نویسی بر کتب رجالی مهم پیشین یا نگارش فوائد پراکنده رجالی است که تقریباً ناظر به هیچ یک از چهار سبک پیش گفته نیست. تنها کتاب رجالی وی که بر یکی از سبک‌ها انطباق دارد، کتاب *طبقات* شیخ بهایی است. هم‌چنین گذشت که کتاب *مشجر الرجال الثقات* نیز در سبک طبقات نگاری تألیف شده است. به علاوه، در رساله محمد بن اسماعیل نیز، شیخ از روش تعیین طبقه محمد بن اسماعیل، فرد مورد نظر را شناسایی کرده و تمییز داده است.^{۴۳}

بنا بر این می‌توان گفت که شیخ بهایی از میان سبک‌های شناخته شده کتب رجال بیشتر از روش طبقات نگاری بهره برده است.

۲. ارائه مبانی و پیش فرض‌ها

آرای علمی بر اساس اصول و مبانی خاصی به دست آمده‌اند. برخی از نویسندگان در کتاب‌های خود مبانی و پیش فرض‌هایشان را بیان نکرده‌اند و خواننده در فهم و تحلیل نظر نویسنده و همسو شدن با او دچار مشکل می‌شود.

شیخ بهایی دانشمندی است که قبل از ورود به دانش حدیث و رجال، پیش فرض‌ها و مبانی خود را در مباحث اصولی یا رجالی یا... روشن ساخته است. وی با پیش تعریف مبانی نظری خود جهت‌گیری علمی‌اش را در رجال و حدیث نمایان ساخته است.

43. مجله حدیث اندیشه، شماره 5، ص 60 - 76.

برخی از این مباحث نظری - که در کتاب‌های *حبل المتین*، *مشرق الشمسین* و *الوجیزه* به آن پرداخته است - به قرار ذیل است:

الف) حجیت خبر واحد:

شیخ بهایی خبر واحد ثقه را حجت می‌داند. او با بیان اختلاف نظر عالمان متقدم و متأخر در این بحث، رأی عالمان متقدم هم‌چون سید مرتضی و ابن ادریس را قابل بررسی و بحث دانسته و عقیده متأخران، یعنی حجیت خبر واحد را می‌پذیرد.^{۴۴} هر چند بحث حجیت خبر واحد از مباحث رجالی نیست، اما از مباحث اصولی و مهمی است که مبانی علم رجال نیز بر آن تکیه می‌کند.

ب) پذیرش قاعده تسامح در ادله سنن:

اگر چه این قاعده امروزه مقبول اکثر فقها نیست، اما شیخ بهایی هم‌چون بسیاری از عالمان زمان خود و پیش‌تر از آن، به استناد به روایت نبوی (*من سمع شیئاً من الثواب . . .*)^{۴۵} معتقد است در روایت‌های اخلاقی نیاز به سخت‌گیری‌های رجالی نیست.^{۴۶} این بحث نیز اگر چه مبحثی رجالی نیست، اما از پیش فرض‌های اصولی دانش‌های اسلامی است که در جهت‌گیری دانشمند رجالی و حدیثی تأثیر مستقیم دارد.

ج) شرایط توثیق راوی:

به عقیده شیخ بهایی، عدالت راوی با شهادت یک عادل اثبات می‌شود. اگر در باره یک راوی هم توثیق رسیده باشد و هم تضعیف، اگر چه مشهور عالمان قول تضعیف را مقدم می‌دانند، اما شیخ بهایی معتقد است هر کدام از توثیق یا تضعیف که گمان قوی‌تری را افاده کند، مثلاً شاهدان بیشتر یا بانقواتری به آن شهادت دهند، آن رأی مقدم است.^{۴۷}

د) اعتبار عدالت در زمان اداء نه تحمل:

شیخ بهایی معتقد است اگر راوی به وقت بیان حدیث و رساندن آن عادل باشد، حدیث او پذیرفته است؛ اگر چه به وقت دریافت آن عادل نبوده است.^{۴۸}

۳ و ۴. دانش تاریخ حدیث و منبع‌شناسی حدیث

حدیث از ابتدا تاکنون دوران‌های متفاوتی را پشت سر گذاشته است که در دانش تاریخ حدیث از آن بحث می‌شود. سیر تولد، رشد و نشر حدیث و فراز و فرود و رواج و رکود آن از مهم‌ترین مسائل علم تاریخ

44. *الحبل المتین*، ص 21.

45. *اربعین شیخ بهایی*، ص 381، حدیث سی و یکم.

46. همان، ص 58، مقدمه.

47. *حبل المتین*، ص 25.

48. همان.

حدیث است. هم‌چنین دانش منبع‌شناسی حدیث به شناساندن کتب حدیثی و علوم حدیثی و مسائل پیرامون آن و تعریف و توصیف نویسندگان آن کتاب‌ها و تحلیل روش‌ها و رویکردهای آنان می‌پردازد. هر چند این دانش‌ها، در دوره‌های معاصر بیشتر مورد توجه قرار گرفته و پژوهشگران اخیر در این موضوعات تألیفات مستقلی به وجود آورده‌اند، اما در میان عالمان متقدم نیز تلاش‌های بزرگی در این زمینه دیده می‌شود. کتاب‌های فهرست هم‌چون *فهرست النجاشی*، *فهرست الطوسی* و *فهرست ابن ندیم* از زمره این تلاش‌ها هستند. آن بزرگواران با تألیف این کتاب‌ها هم به تاریخ حدیث شیعه پرداختند و هم به میراث مکتوب عالمان شیعه و مباحث پیرامونی آن اهتمام کردند. با این وصف، دانشمند مورد بحث ما شیخ بهایی در این دو حوزه تألیف مستقل یا مبسوطی ندارد و تنها در خانمه *الوجیزه* اشاره کوتاهی به تدوین حدیث شیعه در دوره ائمه اطهار داشته و بعضی از کتب معروف حدیثی مشایخ ثلاثه، کلینی صدوق و طوسی را نام برده و در باره کتب اربعه شیعه به اجمال و اختصار گزارش می‌دهد. از این رو، می‌توان کاستی و کمبود تلاش شیخ بهایی در مجموعه دانش‌های حدیثی را متوجه این دو موضوع دانست.

نتیجه

شیخ بهایی عالم ذو فنونی است و در بیشتر دانش‌های زمانه‌اش دستی داشته است. به برخی از علوم بیشتر و دقیق‌تر پرداخته و آثار ماندگار و ارزشمندی از خود بر جای گذاشته است. در میان علوم دیگر نیز، نکات ظریف و افادات دقیقی در لا به لای نوشته‌هایش چشم نوازی می‌کند؛ نکاتی که گاهی از ذهن دیگران مخفی می‌ماند، اما دیدگان تیزبین شیخ آنها را رصد می‌کند. مطالب فراوان استطرادی و غیر مستقیم و غیر مرتبط با موضوع بحث در میان نوشته‌هایش نشانه گسترش دانش‌های اوست.⁴⁹ در بحث‌های حدیثی در سه حوزه فقه الحدیث، رجال و درایه، دقیق، ضابطه‌مند و پر رنگ وارد شده است. در مجموعه آثارش، علاوه بر ارائه نوآوری و خلاقیت، در مواردی که نوآوری نداشته، حامل و ناقل علوم دیگران بوده است. این نقل عالمانه با ارزشمندی تمام برای دانش دوستان پس از او اطمینان‌زایی ایجاد کرده است. در دانش‌هایی نظیر کتاب‌شناسی و تاریخ حدیث نیز ورود نداشته است. شاید بتوان گستره پهناور دانش‌هایش را علت آن دانست. خود او در مقدمه کتابش می‌نویسد: «من در مباحثه و جدل بر هر ذو فنونی چیره شدم، اما هرگز نتوانستم کسی را که در یک فن استاد بود از پا در آورم!»⁵⁰.

کتابنامه

- *اربعین شیخ بهایی*، ترجمه و تحقیق عقیقی بخشایشی، قم: دفتر نشر نوید اسلام، چاپ اول، 1373ش.

49. *مبانی فقه الحدیثی شیخ بهایی*، ص 35.

50. *اربعین شیخ بهایی*، ص 42.

- اصول الحدیث، عبدالهادی فضل‌ی، مؤسسه ام القرى للتحقیق والنشر، چاپ دوم، 1416ق.
- تدریب الراوی، جلال الدین سیوطی (م 911 ق)، بیروت: دار الکتب العربی، 1417ق.
- الحاشیة علی کتاب من لا یحضره الفقیه، شیخ بهایی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، 1424ق.
- الحبل المتین فی احکام احکام الدین، شیخ بهایی، بیروت: دارالهادی، چاپ اول، 1420ق.
- حدیث شناسی، علی نصیری، قم: انتشارات سنابل، چاپ اول، 1383ش.
- درایة الحدیث - باز پژوهی مصطلحات حدیثی در نگاه فریقین، شادی نفیسی، تهران: سمت، دانشکده حدیث، 1386ش.
- دروس فی علم الدرایة، سید رضا مؤدب، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، چاپ اول، 1384ش.
- الدریعة الی تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، بیروت: دارالاضواء، چاپ سوم، 1403ق.
- الرعیة فی علم الدرایه، شهید ثانی (م 965 ق)، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، 1408ق.
- الکافی، شیخ کلینی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، 1363ش.
- کنز الفوائد، ابوالفتح کراچی، قم: مکتبه المصطفوی، چاپ دوم، 1369ش.
- مشرق الشمسین واکسیر السعادتین، شیخ بهایی، قم: مجمع البحوث الاسلامیه، چاپ اول، 1414ق.
- معانی الاخبار، شیخ صدوق، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1379ش.
- مقیاس الهدایة فی علم الدرایة، عبدالله مامقانی (م 1351ق)، قم: آل البيت لاحیاء التراث، 1411ق.
- نهایة الدرایة، سید حسن صدر، قم: نشر مشعر، چاپ اول.
- الوجیزة فی علم الدرایة، شیخ بهایی، تعلیقه و شرح سید ابوالحسن موسوی تبریزی.